

نقبی به جدال ناقدان هنر بر سر آثار بهمن فرسی - ۱

فرسی و جدال منتقدان



احسان زبور عالم

یاد می‌کند و حمله نویسنده گانش به بهمن فرسی و دوم نقبی می‌زند به سال ۱۳۴۰ و یک رویداد جنجالی. زمانی که فرسی نمایشنامه «گلدان» را اجرا می‌کند و ابتدا با سکوت منتقدان روبرو می‌شود؛ اما ناگهان جلال آل احمد در نخستین شماره مجله آرش در آبان ۱۳۴۰، با نوشتن یادداشتی با عنوان «چند یادداشت درباره یک نمایشنامه» وضعیت را دگرگون می‌کند. آل احمد در این مقاله با توصیف کوتاهی می‌ریزد و اعلام می‌کند قصد شناسایی ندارد. مجله نیز با بیان آنکه محتوای مقاله مورد تأیید نشریه نیست، علت انتشار این مقاله را، از باب مفید بودن می‌داند. اما مقاله به قصد دفاع از بهمن فرسی و دو مسیر حمله در پیش می‌گیرد. نخست از روزنامه کیهان

منتشر می‌شود، قرار بود ادله‌ای باشد بر اینکه چرا متن فرسی یک نمایشنامه است. نویسنده ناشناس با حمله آل احمد او را متهم می‌کند توانایی عدول از ذهنیت کهنه خود ندارد و نمی‌تواند هنر را بر اساس معیارهای تازه ارزیابی کند. البته نقد آل احمد به فرسی دنباله‌دار است. او سپس در شماره خرداد و تیر ۱۳۴۴ مجله انتقاد کتاب، در یادداشتی به نام «کارنامه دو ماهه» مدعی می‌شود «راستی فرسی در این مدت چه می‌کرده؟ که باز هم همان حرف و سخن بچه مدرسه‌ای‌ها؟ همان انگری با نگمن بازی‌ها - همان تعقیدها - و مجموعاً نوعی آوانگاردیسم زور کی! این‌طور که پیداست فرسی گرفتار فرم شده است. یعنی به ظاهر دلخوش است.» این عبارات در نقد «بهار و عروسک»

فرسی است و جویا در مخالفت با نظر آل احمد می‌نویسد «من هر چه گشتم نتوانستم پیدا کنم در کجای این یادداشت حضرت نظر داده بودند که گلدان حرف و سخن بچه مدرسه‌ای‌هاست.» نقد آل احمد به فرسی آن بود که فرسی و آثارش نه بازنمایی از مردم کوچک و بازار است و نه توانایی جذب آنها را دارد. موافقان فرسی از جمله جویا، با این نگاه آل احمد مخالفت می‌ورزند. به زعم موافقان فرسی، آدم‌های آثار او همگی واقعی و برآمده از جهانی بیرون اند. نویسنده اما تنها به آل احمد - که در هر پنج قسمت مقاله او را «حاجی استناد» خطاب می‌کند - حمله نمی‌کند. نفر دوم فهرست او در دفاع از «گلدان» پرویز صیاد است. در آن سال‌ها، صیاد که هنوز شهره نشده بود، در مقام نویسنده مجله «هنر و سینما» ظاهر می‌شود. گاهی شعر می‌گفت و گاهی نقد می‌نوشت. صیاد درباره گلدان نوشته بود «گلدان هر چه باشد نمایش نیست... اما می‌تواند منشا بحث قرار بگیرد.» و چنین هم می‌شود. جویا می‌نویسد «راستی می‌گفت. چرا که گلدان نه تنها منشا بحث قرار گرفت؛ بلکه هیاهویی ایجاد کرد و اگر مبالغه نکنم، مکتبی چشم خیلی از آقایان راباز کرد و نشان داد که می‌توان با امکانات محدود روی صحنه تئاترهای ایران هم نمایش جدید اجرا کرد.»

بخش عمده‌ای از حملات به «گلدان» فرسی از باب شیوه نگارش او بود. متن فرسی شباهتی با متون آن روزگار نداشت. او همگام با نویسندگان نوپای آن روزگار فرانسه، شیوه ابزورد در نگارش را پیش گرفته بود و این موضوع

چندان به مذاق ناقدان آن روز خوش نمی‌آمد. جویا نیز در نوشتار خود برای اثبات حقانیت فرسی بر این موضوع تأکید می‌کند که چرا بکت و یونسکو نویسندگانی بر حق برای ناقدان به حساب می‌آیند؛ اما فرسی نویسنده‌ای است ناحق. جنجال «گلدان» سه سال بعد با «بهار و عروسک» تکرار می‌شود. بار دیگر ناقدان وقت متن را فاقد ارزش می‌پندارند. برای مثال جویا به مقاله‌ای از حمید سمندریان با عنوان «فاجعه درام نویسی ایران» در روزنامه کیهان به تاریخ ۳۱ تیرماه ۱۳۴۴ اشاره می‌کند، جایی که سمندریان مدعی می‌شود چیزی به نام درام ایرانی ندارد. جویا نیز با بسادآوری دو متن «آهن» خجسته کیا و «روزنه آبی» اکبر رادی، سمندریان را متهم به نخواندن متون ایرانی می‌کند. او درباره سمندریان می‌نویسد «نمی‌توان باور کرد که سمندریان تمام اینان را به راستی فراموش کرده باشند و نیز نمی‌توان تردید کرد که چنین شخصیتی با نقاب تزویر چهره خود را نپوشانده باشد.» اشاره به جمله‌ای از سمندریان مبنی بر اینکه آثار ایرانی «خلق حادثه» نمی‌کنند، مدعی می‌شود او در اجرای نمایش «دوزخ» هیچ حادثه‌ای را به نمایش نمی‌گذارد. می‌نویسد «گر آقای سمندریان برای ما روشن کند که مایه خلق حادثه در دوزخ کدام است و اگر قصدشان از اجرای دوزخ به حیرت افکندن تماشاچیان و اظهار وجود نبود، چه بود؟ کدام ممکن است در قضاوت خود با کسی که سارتر و چخوف و ایبسن و تنسی و ویلیامز را با هم مخلوط کرده است، تردید کنیم.»

پرده نقره‌ای

«رویای سهراب»

به فستیوال فیلم مسکو می‌رود



فیلم سینمایی «رویای سهراب» به کارگردانی علی قوی تن در دیهشت ماه در فستیوال فیلم مسکو نمایش داده می‌شود. به گزارش خبرنگار مهر، علی قوی تن کارگردان فیلم سینمایی «رویای سهراب» از اکران این فیلم سینمایی در چهل و سومین فستیوال فیلم مسکو خبر داد. این دومین حضور بین‌المللی فیلم «رویای سهراب» پس از فستیوال هند (شهر گوا) است که در شرایط سخت کرونا بی‌روزی پرده سینماهای خارج از کشور به نمایش در می‌آید. فستیوال مسکو که یکی از جشنواره‌های درجه‌الف و معتبر جهانی است امسال چهل و سومین دوره‌اش را از ۲۲ تا ۲۹ آوریل ۲۰۲۱ مصادف با دوم تا نهم اردیبهشت ماه برگزار می‌کند که فیلم سینمایی «رویای سهراب» به کارگردانی علی قوی تن نیز در این رویداد جهانی حضور دارد. «رویای سهراب» در باره پاره‌ای از نوستالژی و عاشقانه‌های زندگی شاعر و نقاش ایرانی سهراب سپهری است. علی قوی تن درباره اینکه چرا فیلم سینمایی «رویای سهراب» ابتدا در ایران به نمایش گذاشته نشده، به خبرنگار مهر گفت: در داخل کشور مان هنوز آن توجه درخور این فیلم شاعرانه و فرهنگی را ندیدم. فیلم سینمایی «رویای سهراب» یک شوخی نیست، یک اثر از وجود شاعری نامدار است که در داخل کشور و خارج تاثیر گذار بوده و هست. بنابراین فیلم سینمایی «رویای سهراب» فعلاً در فستیوال کشورهای به نمایش در می‌آید که به آن توجه نشان می‌دهند و خواستار ش هستند. البته به غیر از برلین و کن که به دنبال فیلم‌های سیاسی هستند.

تجسمی

نمایشگاه‌های هنری با اوج دوباره کرونا لغو شد



موزه هنرهای معاصر تهران و خانه هنرمندان ایران همزمان با فرم شدن پایتخت از نظر شیوع کرونا اقدام به لغو نمایشگاه‌های خود کردند. به گزارش هنرآنلاین، موزه هنرهای معاصر تهران که پس از چند ماه تعطیلی از نیمه بهمن ۹۹ یادو نمایشگاه‌ار معان و عکس مفهومی پذیرای علاقه‌مندان بود، از ۱۵ فروردین به دلیل اوج گیری بیماری کرونا در تهران بار دیگر تعطیل شد. نمایشگاه عکس مفهومی نیز با ۱۸ اثر خارجی گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران از ۱۳ هنرمند برگزار شده است. پیش از این قرار بود که این دو نمایشگاه تا پایان فروردین ادامه داشته باشند، اما با تعطیلی فعلی، تغییراتی در ادامه برپایی نمایشگاه به وجود خواهد آمد. همچنین نمایشگاه آثار هنرمندان افغانستانی مقیم ایران با عنوان «هم‌خانه» که قرار بود دوشنبه ۱۶ فروردین در خانه هنرمندان ایران افتتاح شود، به دلیل ابلاغ ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا منسوخ شد. بر تعطیلی فعالیت‌های نمایشگاهی و هر گونه مراسم و تجمع به زمان دیگری موکول شد. این نمایشگاه شامل بیش از ۱۷۰ اثر نقاشی، خوشنویسی، مینیاتور و تذهیب، مجسمه و عکس از هنرمندان افغانستانی مقیم ایران است که در فرصت مناسبی به نمایش در می‌آید. مدیر کل تجسمی وزارت ارشاد هم درباره وضعیت برگزاری نمایشگاه‌های هنری با توجه به فرم شدن وضعیت تهران گفت: با توجه به اینکه موزه‌ها و گالری‌ها جزو مشاغل دوم و سوم محسوب می‌شوند، در شرایط فعلی ملزم به رعایت قوانین ستاد ملی کرونا هستند و تا تغییر رنگ شهر تهران و بهتر شدن وضعیت، باید تعطیل باشند.

اعتراض یک مستندساز به بخش «آقامر ترضی»

در همین راستا، حسین معززی نیا، منتقد و مستندساز نیز با نگارش نامه‌ای به رئیس سازمان صداوسیما، نسبت به ساخت و بخش مستند «آقامر ترضی» اعتراض و اعلام کرد که به خاطر استفاده غیرمجاز این مستند از راش‌های (تصاویر خام) فیلم خودش پیگیری قضایی خواهد کرد. حسین معززی نیا، در نامه‌ای که تصویبش را در صفحه اینستاگرامش قرار داده مدعی شده که تکه‌های متعددی از راش‌های یک مجموعه تلویزیونی ۳۰ قسمتی به نام «روایت راوی» که سال‌ها پیش او آن را کارگردانی و تدوین کرده، درون مستند «آقا مر ترضی» گنجانده شده است. وی در این نامه خطاب به علی عسکری نوشت: مواد و مصالحی را که من تولید کرده‌ام اما به هر دلیل کنار گذاشته‌ام، بدون اجازه من با طرف مصاحبه شونده، در برنامه خودشان مورد استفاده قرار داده‌اند و از راش‌های کیومرث پورا احمد هم به همین ترتیب استفاده کرده‌اند. به گزارش ایرنا، بخش مستند ۷ قسمتی «آقامر ترضی» به کارگردانی سید عباس سید ابراهیمی و تهیه‌کنندگی مهدی مطهر از یکشنبه ۱۵ فروردین از شبکه سه سیما آغاز شده است. مستند آقامر ترضی که محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج و تولید شده در خانه مستند انقلاب اسلامی است، بر اساس آنچه سازندگان آن مدعی شده‌اند، روایتی متفاوت و بدون سانسور از زندگی شهید اهل قلم، سید مرتضی آوینی است.

چهره جعلی در زندگی تک‌تک اعضای خانواده اوست.

حرف‌هایم فهم نمی‌شود. برایم روشن می‌شود وقتی سازمان اوج، تهیه‌کننده فیلمفارس شهید آوینی باشد، مرزهای بی‌اخلاقی، بی‌قانونی، پرده‌دری، و ابتذال می‌تواند جابه‌جا شود. تلویزیون هم صرفاً بخش‌کننده است و مدیرانش می‌گویند با وجود احترام بی‌حدوحصری که به نه تنها برای شهید آوینی بلکه برای همه خانواده‌های شهدا قائل‌اند، به بخش این برنامه مبتذل ادامه خواهند داد! در کنسوری زندگی می‌کنیم که مرجع تأیید آن چه درباره زندگی خصوصی سیدمرتضی آوینی نمایش می‌دهند، من نیستم که همسرش بودم و صاحب قانونی آن چه از بازمانده، بلکه برنامه‌ساز سازمان اوج است که اجازه دارد قرائت جعلی خودش را برای میلیون‌ها مخاطب به نمایش بگذارد و آنها را به این باور برساند که آوینی همین بوده که ما مقابل چشم‌تان قرار داده‌ایم.

بدون اطلاع و نظارت خانواده، مستند زندگی نامه‌ای ساخته‌اند

بدیهی است که اگر اختلاف نظری شکل بگیرد، اعتراض و شکایت قانونی در پی نخواهد داشت. الان داریم درباره جزئیات زندگی خصوصی یک شهید مشهور صحبت می‌کنیم که تا وقتی در قید حیات بوده، بدون اجازه خودش و بعد از آن هم بدون اجازه و تأیید وارث قانونی‌اش نمی‌شود بر اساس این جزئیات منتشر نشده و خصوصی، فیلم ساخت. چطور می‌شود به حرف‌هایی که شاید کسی نقل کرده اکتفا و استناد کرد؟ شاید هر کسی هر نسبت دروغینی به ایشان بدهد؛ این کفایت می‌کند برای نمایشی کردن زندگی خصوصی این شخصیت؟ تازه این یک وجه ماجراست، وجه دیگر موضوع، تعرض به زندگی خصوصی خانواده و تبعات ارانه این

اول صبح نامه‌ای می‌فرستم برای آقای شادآبادی، معاون سیما. به نمایندگی از کل خانواده ناراضی‌ام را اعلام می‌کنم و خواستار توقف بخش برنامه می‌شوم. می‌نویسم شهید آوینی تا زمانی که در قید حیات بود، علاقه‌ای به روایت زندگی خصوصی‌اش نداشت و حالا که نیست، تشخیص این که کدام بخش از زندگی ایشان را می‌شود روایت کرد و چگونه، به عهده خانواده‌اش است. به چه حقی می‌شود در زندگی خصوصی یک شخصیت مشهور تجسس کرد و بعد، بر اساس اطلاعاتی مطلقاً جعلی این زندگی را به تصویر کشید؟ در کجای دنیا، زندگی خصوصی یک شخصیت مشهور را می‌شود بدون اطلاع و نظارت خانواده‌اش ساخت؟ جوابی نمی‌شوم. با آقای فروغی، مدیر شبکه سه، تماس می‌گیرم، پشت تلفن همان حرف‌ها را تکرار می‌کنم. پاسخ این است که قرائت‌های مختلفی در مورد شهید آوینی وجود دارد! کم‌کم درام تبدیل می‌شود به سانسورچی و ایشان به مدافع آزادی عقیده! توضیح می‌دهم که الان درباره افکار شهید آوینی صحبت نمی‌کنیم که بشود قرائت‌های متفاوتی از آن داشت. البته که هر کسی می‌تواند، به روال مرسوم این ۲۸ سال، نظر خودش را درباره افکار او ابراز کند، فیلمش را بسازد یا نوشته‌اش را منتشر کند. ما می‌شنویم و بعد، نظر خودمان را می‌گوییم،

مریم امینی همسر شهید سید مرتضی آوینی طی نامه‌ای از مدیران صداوسیما جمهوری اسلامی خواست تا بخش مجموعه مستند آقامر ترضی را متوقف کنند. مریم امینی در یادداشتی در خبرآنلاین نوشت: تجربه تماشای بخشی از مستند «آقا مر ترضی» به یکی از هولناک‌ترین تجربیات زندگی‌ام تبدیل شد. تحمل دیدن کل برنامه را نداشتم. در تکه‌هایی که دیدم، کارکاتوری از دوران جوانی شهید آوینی ارائه شده که شاید برای دختر دبیرستانی‌های چند دهه پیش جذاب باشد، مملو از روایت‌های جعلی و مبتذل مخصوص رسانه‌های زرد. بدون اطلاع و نظارت خانواده، مستند زندگی نامه‌ای ساخته‌اند به نام «آقامر ترضی». در جای جای فیلم‌شان از تصویر و کلام بنده و دیگر اعضای خانواده که به برنامه‌ها و فیلم‌های دیگری تعلق دارد، استفاده کرده‌اند. حتی حریم شخصی‌ترین لحظات زندگی‌ام در بهشت زهرا ارائه نمی‌دارند و در تلویزیون نمایش می‌دهند. از نظرشان، نمایش «بی‌سانسور» زندگی شهید آوینی، یعنی ساختن یک کارکاتوری بی‌وجود عاشق پیشه سببگیری مثلاً روشنفکر که هزاران هزار نمونه‌اش در همه جا پیدا می‌شود. تصویری مشابه زنان بدکاره فیلمفارس که قرار است با وقوع انقلاب آب توبه سرشان بریزند تا پاک شوند. هر چه بدکاره‌تر جذاب‌تر، توبه‌اش مقبول‌تر و فروش فیلم بیشتر.